

بازدارندگی در امنیت ملی

کشورهایی با اندازه متوسط^(۱)

رایزر د اولسوسکی
عبدالمجید حیدری^(۲)

سلاح‌های هسته‌ای (به عنوان میراث گرانبار جنگ سرد) در تأمین امنیت بین‌المللی قایل نیست. در این بین استدلال می‌شود که بازدارندگی موثر همچنان از طریق اقدامات متعدد از قبیل فعالیت‌های دیپلماتیک تا بازدارندگی نظامی و استفاده از سلاح‌های متعارف قابل دسترس است. ممکن است بسیاری نیز بر این باور باشند که بازدارندگی متعارف در آینده نقش بیشتری ایفا خواهد کرد.

به دنبال فروپاشی جهان دو قطبی، برخی از کشورهای غیر اتمی متوسط اروپای شرقی مانند لهستان، مجارستان، جمهوری چک و ... به تدریج نبود چتر امنیتی هسته‌ای را تجربه کردند. این کشورها در محیط سیاسی - نظامی جدید به طور طبیعی گرایش خود را برای یکپارچه شدن با ساختارهای اروپای غربی و ناتو آغاز کردند. این دموکراسی‌های نوظهور برای رسیدن به اهداف مورد نظر می‌بایست یک رویکرد مناسب برای مسایل سیاسی، نظامی، و ساختاری بیابند. تعدادی از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به رغم پیوستن به پیمان ناتو همچنان باید در مورد امنیت خود حساس باشند. در واقع، کشورهای غیر هسته‌ای فوق باید استراتژی نظامی - عقلایی خاص خود را تدوین کنند تا امنیت ملی شان تضمین شود. در این استراتژی، تمامی تهدیدات موجود اعم از نظامی و غیر نظامی باید مورد بررسی قرار گیرد. محدودیت‌های تسلیحاتی، کاهش بودجه‌ها و نیز میزان برخورداری از شانس به حداقل رساندن برتری‌های یک متجاوز بالقوه؛ از جمله این تهدیدات است. بسیاری از دکتربین‌های کشورهای اروپایی ماهیت دفاعی دارند. در این دکتربین‌ها، تأکید ویژه‌ای بر حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی، و استقلال سیاسی به عنوان پایه و

مفهوم بازدارندگی بسیار ساده است، به این معنا که یک قدرت، بر اساس یک استراتژی نظامی برای جلوگیری از حمله دشمن متوسل به تهدید می‌شود. کلمه «بازدارندگی» برگرفته از کلمه لاتین *deterre* و از نظر لغوی به معنای «ترسیدن از» یا «ترساندن» است. بنابراین، مفهوم اولیه بازدارندگی بر اساس تهدید و ترس استوار است.

بازدارندگی نظامی و کاربرد آن سابقه‌ای طولانی در هنر جنگ دارد. بشر از دیرباز با ایجاد حواس پرتی و القاء توهم در دشمن به ویژه از نظر دیداری و شنیداری، در واقع از استعداد بازدارندگی سود می‌جسته است. او برای ترساندن و تضعیف روحیه دشمن تجهیزات نظامی خود را به هیئت حیوانات ترسناک می‌آراست و با تولید صداهای مخوف بر هدف خود می‌رسید. نظیر آن چه در نبرد مشهور وین^(۳) در سال ۱۶۸۳ و وقتی که سواره نظام لهستانی موسوم به «سوار کاران بالدار» به دشمن یورش بردند.

نوآوری‌های نظامی و توسعه ادوات جنگی، میزان تأثیر و اعتبار بازدارندگی را افزایش داد. استفاده از توپخانه، بالون، و هواپیما از آغاز قرن بیستم و تا قبل از جنگ جهانی دوم به عنوان یکی از روش‌های بازدارندگی محسوب می‌شد.

پایان جنگ جهانی دوم و استفاده از سلاح‌های اتمی، شروع عصر جدیدی از بازدارندگی نظامی را رقم زد. طی دوران جنگ سرد، سلاح‌های اتمی به یکی از عناصر اصلی طرح‌های دفاعی قدرتهای هسته‌ای تبدیل شد. با سقوط پرده آهنین اکنون این انگاره که «بازدارندگی استراتژیکی» به معنای «بازدارندگی هسته‌ای» است مورد تردید می‌باشد. می‌توان گفت که افکار عمومی، دیگر هیچ نقش مؤثری برای

(1) Ryszard Olszewski; Deterrence in The National Security of a Middle - Sized Country, National Defense April 2001.
(2) Vienna

(۲) کارشناس زبان انگلیسی

**کشورهای با اندازه متوسط غالباً
یک مفهوم امنیتی را می پذیرند
که مقبولیت جهانی دارد؛ این گونه مفاهیم،
به عنوان مفاهیمی شناخته می شوند
که از طریق گفت و گو، همکاری،
و اقدامات مسالمت آمیز مدیریت بحران، باعث کاهش
تنش ها یا رفع تهدیدات می شوند**

بازدارندگی نظامی به مفهوم امنیت ملی

امنیت ملی می بایست در ارتباط با تهدیدات موجود و توان رویارویی با آنها تجزیه و تحلیل شود. تهدیدات ممکن است از درگیریهایی ناشی شوند که دارای ماهیتی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قومی، یا نظامی هستند. درگیری های نظامی از تمامی موارد پیش گفته مهم ترند. اهمیت آنها تا بدان جاست که می توانند موجودیت یک کشور را نیز با خطر روبه رو سازند. تهدیدات ممکن است به تدریج به درگیری تبدیل شوند. عدم تمایل بالقوه دشمنان به مصالحه ممکن است باعث افزایش مطالبات آنها شده، اتهامات متقابلی را مطرح کند که می توانند وضعیت هایی بحرانی را به وجود آورده و امنیت ملی را تهدید کنند. متأسفانه صرف شرکت کردن در یک ائتلاف سیاسی یا نظامی، موجب از میان رفتن امکان بروز چنین تهدیداتی نمی شود؛ درگیری درازمدت یونان و ترکیه، چین و روسیه، و سایر وضعیت های مشابه دیگر نقاط جهان شاهدهی بر این مدعاست.

ائتلاف ها هنوز هم شرایط مطلوبی را برای کاهش تهدیدات و حل و فصل درگیری ها به وجود می آورند. هر کشور برای مقابله مؤثر با تهدیدات، اقدام به ایجاد یک ساختار امنیت ملی می کند که از «نیروها، تجهیزات و طرح روشن استفاده از آنها برای تضمین صلح و امنیت ملی» تشکیل می شود. ایجاد این ساختار هم به صورت مستقل و هم در چارچوب یک ائتلاف امکان پذیر است. ساختار مزبور باید امکان مقابله مؤثر را با تهدیدات داخلی و خارجی تضمین نموده، در عین حال امنیت را در چارچوب کشور مورد نظر حفظ کند.

اساس ساختار دفاعی کشور اعمال می شود. همچنین، بازدارندگی نظامی به ویژه برای کشورهایی که توان تأمین نیروهای نظامی پیشرفته و پرهزینه را ندارند به عاملی برای تثبیت صلح و پیشگیری از تجاوز تبدیل می شود.

امروزه برای کشورهایی با اندازه متوسط در یک جهان چندقطبی به جز بازدارندگی نظامی متعارف راهکار دیگری به نظر نمی رسد. این نوع بازدارندگی باید به دقت بررسی شود. طرح ریزی دقیق و سازمان مناسب در چنین وضعیتی حیاتی است؛ زیرا در غیر این صورت، همان گونه که در گذشته شاهد بودیم ممکن است بازدارندگی نظامی به راحتی اعتبار خود را از دست بدهد. بنابراین، بازدارندگی الزاماً باید بتواند بالقوه قابل قبول نظامی و اقتصادی، اطلاعات نظامی و دیپلماسی مؤثر، تبلیغات گسترده و ائتلاف های مناسب پشتیبانی شود؛ البته ائتلاف ها اگر چه به عنوان آخرین عامل ذکر شده، اما اهمیت آن از سایر عوامل کمتر نیست.

در این مقاله تلاش می شود تا نقش بازدارندگی در حفظ امنیت ملی کشورهایی با اندازه متوسط بررسی شود. همچنین، این نکته را که بازدارندگی متعارف روش مناسبی است برای حفظ استراتژی امنیت ملی یک کشور غیر هسته ای با اندازه متوسط، مورد بحث قرار خواهیم داد. برای ارایه یک مفهوم کلی در خصوص موضوع مورد بحث، قسمت اول این مقاله به جنبه های مختلف بازدارندگی متعارف و نقش آن در مفهوم امنیت ملی می پردازد. قسمت دوم مقاله، با نظام های بازدارندگی نظامی و اصول کاربرد آن مرتبط است. در قسمت آخر، میزان اعتبار استراتژی بازدارندگی نظامی مورد بحث قرار می گیرد.

احساس عمومی دیگر هیچ نقش مؤثری برای سلاح‌های هسته‌ای (به عنوان میراث گرانباز جنگ سرد) در تأمین امنیت بین‌المللی قایل نیست. در این بین استدلال می‌شود که بازدارندگی موثر همچنان از طریق اقدامات متعدد از قبیل فعالیت‌های دیپلماتیک تا بازدارندگی نظامی و استفاده از سلاح‌های متعارف قابل دسترس است

نیروها و تجهیزات

نیروها و تجهیزاتی که برای تضمین امنیت ملی در نظر گرفته می‌شوند از یک عامل ملموس اصلی تشکیل می‌شوند که کارایی چنین سیستمی را تحت تأثیر قرار دهد و کمیت و کیفیت آنها - که به عوامل متعددی وابسته است - برگزیده مفهوم امنیت ملی که با شیوه‌های رفع تهدیدات یا تنش‌ها از طریق نیروها و تجهیزات موجود مرتبط است، تأثیر می‌گذارد.

کشورهای با اندازه متوسط که هیچ‌گونه ادعای جاه‌طلبانه جهانی - و از جمله هیچ ادعای ارضی نسبت به همسایگان خود ندارند - غالباً یک مفهوم امنیتی را می‌پذیرند که مقبولیت جهانی دارد. این گونه مفاهیم، به عنوان مفاهیمی شناخته می‌شوند که از طریق گفت‌وگو، همکاری، و اقدامات مسالمت‌آمیز مدیریت بحران، باعث کاهش تنش‌ها یا رفع تهدیدات می‌شوند.

یک کشور با اندازه متوسط که از نظر حاکمیت ملی و موجودیت صلح‌آمیز هیچ پشتوانه ثابتی ندارد؛ مجبور است گزینه کاملاً تعریف شده‌ای برای امنیت و استراتژی دفاعی خود انتخاب کند. هنگامی که امنیت چنین کشوری از لحاظ نظری مورد بحث قرار می‌گیرد، پنج گزینه امنیتی را می‌توان ذکر کرد:

- تکیه صرف بر نیروهای مسلح خود آن کشور؛

- ائتلاف‌های سیاسی و نظامی؛

- تکیه بر «چتر حفاظتی» یک ابرقدرت؛

- کار کردن در چارچوب یک شبکه امنیتی مشترک؛

- شرکت در یک فدراسیون جهان گستر.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های گزینه‌های امنیت، نشان می‌دهد که یک کشور با اندازه متوسط باید عمدتاً بر نیروهای مسلح خود تکیه کند. حتی اگر گزینه دیگری انتخاب شود باز هم یک کشور باید نیروهای مسلحش را حفظ کرده، و از امنیت خود محافظت کند. استراتژی نظامی، انتخاب گزینه‌ای است که با دکترین نظامی کشور مورد نظر بیان می‌شود و مستقیماً انتخاب و ماهیت آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

«استراتژی» از نظر کلی به معنای نظریه و عمل، هرگونه فعلیتی است که برای رسیدن به اهداف معین از طریق تمامی جنبه‌های مربوط به نیروهای متحد، وسایل و شیوه‌های عملیات‌های نظامی انجام می‌شود. جایگاه استراتژی در علوم نظامی جایگاهی چند بعدی است. استراتژی نظامی از نظر تحقیقاتی به عنوان «بخشی از استراتژی‌ای که بر ایجاد، توسعه، و به کارگیری نیروهای مسلح در تمامی جنبه‌ها و محیط‌های کاربردی کشور مورد نظر متمرکز است» تعریف شده است. اهدافی که باید به وسیله استراتژی نظامی محقق شود ماهیت آن را تعیین می‌کند.

مورد دیگری که به موضوع این مقاله مربوط می‌شود، استراتژی دفاعی یک کشور غیر هسته‌ای با اندازه متوسط است. استراتژی‌های دفاعی اساسی که معمولاً به عنوان استراتژی‌های کلاسیک شناخته می‌شوند و به طور خاص برای چنین کشوری مفیدند، موارد زیر را شامل می‌شود:

- عقب نشینی - خستگی؛

- حمله پیشگیرانه؛

- دفاع مرزی؛

**استراتژی بازدارندگی نظامی عبارت است از:
نظریه و عمل ایجاد و استفاده از توان بالقوه نظامی
به گونه‌ای که دشمن از ترس مواجه شدن با دو مشکل،
یعنی رسیدن به اهداف معین و نیز سطح پیش بینی شده‌ای
از تلفات از اجرای هر اقدام نظامی باز بماند.**

سال‌هاست که مورد استفاده قرار می‌گیرد. استراتژی بازدارندگی نظامی عبارت است از نظریه و عمل ایجاد و استفاده از توان بالقوه نظامی به گونه‌ای که دشمن از ترس مواجه شدن با دو مشکل، یعنی رسیدن به اهداف معین و نیز سطح پیش بینی شده‌ای از تلفات، از اجرای هر اقدام نظامی باز بماند.

استراتژی بازدارندگی دارای دو جزء است: جزء اول این استراتژی نظریه بازدارندگی است و عبارت است از تحقیق در مورد کفایت بازدارندگی، نظریه بالقوه متجاوز در مورد بازدارندگی، میزان اعتبار و کارایی بازدارندگی، و نیز وضع قوانینی برای آماده‌سازی، اجرا، و تثبیت بازدارندگی نظامی. نتایج این تحقیق که در مقیاس نسبتاً بزرگی انجام می‌شود پایه‌های جزء دوم بازدارندگی نظامی یعنی عمل بازدارندگی را تشکیل می‌دهند که عبارتند از آماده‌سازی سیستم و نیروهای بازدارندگی، طرح‌هایی برای استفاده از آنها، و نیروهای محول شده و البته وضعیت سیاسی و نظامی.

استراتژی بازدارندگی نظامی تاکنون اهمیت چندانی در هنر جنگ پیدا نکرده است و غالباً به عنوان یکی از عناصر استراتژیکی به اصطلاح «کلاسیک» محسوب می‌شود. مطالعه منابع مربوط به نقش بازدارندگی نظامی در امنیت کشورهای غیر هسته‌ای با اندازه متوسط به ما اجازه می‌دهد تا دو وضعیت مختلف را تشخیص دهیم:

در وضعیت اول، فرض بر این است که بازدارندگی نظامی باید به عنوان یک استراتژی دفاعی اصلی و مستقل محسوب شود تا دفاع موثر از یک کشور متوسط را تضمین کند. در وضعیت دوم، فرض می‌شود که بازدارندگی نظامی باید

دفاع همه‌جانبه.

البته موارد پیش گفته، کل طیف استراتژیکی مورد نظر را پوشش نمی‌دهد.

نکته اصلی در استراتژی عقب‌نشینی - خستگی استفاده از زمان و زمین برای جبران کمبود نیروها و وسایل اجرای مانور است. این استراتژی تنها زمانی اتخاذ می‌شود که یک کشور به علت کمبود نیرو نمی‌تواند جبهه‌ای را ایجاد و حفظ کند.

استراتژی حمله پیشگیرانه، در صورت وجود هر گونه تهدید مستقیم به تجاوز، امکان اجرای حملات پیشگیرانه را فراهم می‌سازد. مزیت روشن این استراتژی آن است که از همان ابتدای شروع درگیری تمامی عملیات‌ها را به داخل خاک دشمن می‌کشاند. بنابراین، بازدارندگی به علت ترس دشمن از یک اقدام تنبیهی اعتبار بیشتری پیدا می‌کند.

در استراتژی دفاع مرزی، فرض بر این است که یک متجاوز در چارچوب منطقه مرزی متوقف می‌شود و از اجرای حمله عمیق به داخل خاک کشور مورد حمله محروم می‌شود. این استراتژی در درگیری‌های محدود محلی یا برای دفاع از یک کشور کوچک اتخاذ می‌شود.

در استراتژی دفاع همه‌جانبه، فرض بر این است که کشور مورد نظر از تمامی وسایلی که در اختیار دارد - اعم از نیروی انسانی، تجهیزات و روحیه - برای دفاع از خویش استفاده می‌کند. این استراتژی امکان اجرای هر نوع نبرد و نیز مقاومت غیر مسلحانه را فراهم می‌نماید.

استراتژی بازدارندگی

استراتژی بازدارندگی نظامی گرچه حامیان زیادی ندارد،

استراتژی‌های بازدارندگی نظامی ممکن است زیرساخت‌های مستحکم صلح را مطرح کند که بیش از یک قرن پیش توسط کارل فون کلاوزویتس در اثر کلاسیکش با نام در باب جنگ (on war) تحت عنوان «انگیزه‌های صلح» از آن یاد شده است و باین زیرساخت‌ها، پدیده تجاوز را به علت هزینه بالای آن غیر محتمل سازد. در بازدارندگی نظامی علاوه بر جلوگیری از تجاوز که نقش اصلی آن است، به مقاصد دیگری نیز پرداخته می‌شود:

- دلسرد کردن یک متجاوز بالقوه از به کارگیری نیروهای مسلحش به عنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار سیاسی؛
- جلوگیری از تجاوز نظامی؛
- متوقف کردن عملیات‌های جنگی؛
- تقویت موقعیت و اقتدار یک کشور با اندازه متوسط در خارج از مرزهایش.

در شرایطی که یک کشور با اندازه متوسط در حالت خود دفاعی اجباری قرار دارد و حتی زمانی که از سوی کشور متجاوز تهدید می‌شود که هم از لحاظ اقتصادی و هم از نظر نظامی از او قوی‌تر است، استراتژی بازدارندگی نظامی می‌تواند امنیت کشور مورد نظر را تأمین کند. البته برای آن که چنین استراتژی مؤثر واقع شود باید آگاهانه انتخاب و به صورتی هدفمند اجرا شود. نخست، چنین کشوری باید بداند که یک استراتژی بازدارندگی نظامی مناسب‌ترین گزینه‌ای است که می‌تواند انتخاب کند. دوم، کشور مورد نظر با استفاده مؤثر از تجهیزات نظامی‌اش باید توانمندی‌های

استراتژی‌های دفاعی «کلاسیک» کشور مورد نظر را تکمیل کند. طرفداران این رویکرد ادعا می‌کنند که کشور مربوط از طریق اقدام دفاعی قاطع و ترکیب تلاش نیروهای مسلح و دفاع شهری به سطح مؤثری از بازدارندگی می‌رسد که متجاوز را از هدف اولیه تجاوزش یعنی تصرف خاک کشور مورد تجاوز باز می‌دارد. هنگامی که طرفداران این رویکرد در مورد بازدارندگی سخن می‌گویند غالباً منظورشان آمادگی دفاعی است. اقدامات بازدارندگی، اقداماتی حاشیه‌ای است و هیچ تهدید بازدارنده‌ای را بر طرح‌های طرف متجاوز تحمیل نمی‌کند. علاوه بر این، عوامل بازدارنده در استراتژی‌های دفاعی متعارف (عقب‌نشینی - خستگی، دفاع از مرزها، دفاع همه‌جانبه) ممکن است اعتبار و کارایی لازم را برای بازدارندگی تضمین نکنند. بازدارندگی متعارف در گرو استفاده کامل از توانمندی‌های آفندی و پدافندی برای ایجاد یک تهدید معتبر است که ممکن است مسئله تجاوز را با غیر سودمند ساختن آن رفع کند.

پذیرش استراتژی بازدارندگی نظامی به عنوان یک استراتژی دفاعی اصلی و مستقل کشوری (منظور اولین وضعیتی است که در بالا بدان اشاره شد) مسلماً مقرون به صرفه‌تر و جدیدتر است. در عین حال، این رویکرد، نیروها و وسایل کمتری را درگیر می‌کند و با القای عدم قاطعیت‌های متعدد، به صورت مؤثر باقی می‌ماند، و باز فایده ساقط کردن پدیده تجاوز و با امکان تنبیه متجاوز پس از وقوع تجاوز، امکان باور یک تهدید معتبر را فراهم می‌آورد.



استراتژی بازدارندگی نظامی تاکنون اهمیت چندانی در هنر جنگ پیدا نکرده است و غالباً به عنوان یکی از عناصر استراتژیکی به اصطلاح «کلاسیک» محسوب می شود

عملیاتهای تهاجمی (تلافی جویانه) به سرزمین دشمن و هم در عملیاتهای پدافندی از سرزمین خودی تضمین کند. سطح کارآیی بازدارندگی نظامی به عوامل انسانی، آموزش، عوامل فیزیکی و روان شناختی، تجربه، روحیه، و عزم و اراده نیز بستگی دارد.

تجهیزات نظامی نه تنها عامل مهمی در بازدارندگی نظامی به شمار می رود، بلکه مجموع تمهیداتی که استفاده مناسب و مؤثر از آن را تضمین می کنند نیز مهم ارزیابی می شوند. تمهیداتی نظیر شناسایی، فرماندهی و امنیت، عملیاتهای روان شناختی و سیاسی، و حمایت از جامعه بین الملل.

نیروی هوایی در میان نیروهای نظامی موجود در زیر سیستم نظامی، بزرگ ترین کارآیی را به خود اختصاص داده

بازدارندگی لازم را کسب و اعمال نماید. سوم، کشور مزبور از طریق سیستمی که با استفاده مؤثر از نیروهای بازدارندگی متعارف به طرز مناسبی آماده شده باید به شکل معقولی از استراتژی بازدارندگی نظامی در جهان مدرن استفاده کند. در بخش بعدی به این مساله خواهیم پرداخت.

سیستم بازدارندگی نظامی و اصول به کارگیری آن

ضرورت وجود سیستم بازدارندگی نظامی که اجرای مؤثر استراتژی مربوط را تضمین می کند برگرفته از اهداف، شرایط و فرض های به کارگیری استراتژی بازدارندگی نظامی است. سیستم بازدارندگی نظامی یک کشور به عنوان مجموعه ای از اجزای ساختاری نمود پیدا می کند که به لحاظ داخلی هماهنگ شده اند، ارتباط متقابلی با یکدیگر دارند، و در چارچوب استراتژی بازدارندگی نظامی در راستای دفاع از کشور مورد نظر کار می کنند.

این سیستم از سه عامل تشکیل می شود و زیر سیستم های آنها به شرح زیر است:

(۱) نظامی، (۲) غیر نظامی (۳) فرماندهی، (۴) لجستیک.

جزء اصلی بازدارندگی نظامی، یک زیر سیستم نظامی (حمله) است که از نیروهای مسلح تشکیل می شود. این زیر سیستم، توان بالقوه وارد آوردن صدمات بر یک متجاوز را تعیین و با این روش هزینه یک تجاوز را مشخص می کند و از این طریق انگیزه اقدامات خصمانه را کاهش داده، یا به کلی از بین می برد. زیر سیستم نظامی برای یک کشور غیر هسته ای با اندازه متوسط باید و سالی برای حمله در اختیار داشته باشد که بتواند وارد آمدن خسارت قابل توجهی را هم در

و پس از آن، نیروهای زمینی و دریایی نیز از اهمیت خاصی برخوردارند. اولویت های استراتژی بازدارندگی در فرآیند ارزیابی میزان سودمندی نیروهای نظامی مختلف به قرار زیر است:

- نیروی هوایی چند منظوره؛

- موشک های بالستیک و ضد هواپیما؛

- پرنده های بدون سرنشین و موشک های کروز؛

- پدافند هوایی؛

- شناسایی و جنگ الکترونیکی؛

- توپخانه موشکی؛

- گروه های خرابکاری.

آن چه در انتخاب سیستم های سلاح برای استفاده در بازدارندگی مهم است، امکان دسترسی به اهدافی در سرزمین

طرف متجاوز و وارد آوردن خسارت به آنهاست. همچنین آنچه بر ارزش بازدارندگی نظامی می افزاید مقاومت آن در برابر تخریب و اختلال، قابلیت اطمینان آن، و سایر ویژگی های این پدیده است. عموماً چنین پنداشته می شود که نیروهای بازدارندگی سیاسی باید پیشرفته ترین سیستم های سلاح را در اختیار داشته و در هر شرایطی قادر به اجرای حملات دقیق باشند.

در واقع، این زیر سیستم نظامی (یعنی سیستم بازدارندگی نظامی) به طور کلی باید یک سیستم واحد را تشکیل دهد که بتواند وظایف مختلف را به طریق مختلف با فرماندهی موثر و امنیت کامل انجام دهد.

قابل ذکر است که تاریخ کفایت بر خورداری از یک ارتش

خاطر باید تلاش کنند تا با کاهش آسیب پذیری، افزایش تحرک، و استتار و استقرار بهتر نیروهای بازدارندگی شان، برتری دشمن را کاهش دهند.

در سیستم بازدارندگی نظامی، زیر سیستم غیر نظامی نیز به همان اندازه مهم است. کارکرد اصلی این زیر سیستم، پشتیبانی از سیستم نظامی و اجرای انواع عملیات های روانی است. زیر سیستم غیر نظامی به گونه ای طراحی می شود که به صورت متمرکز، هماهنگ و کنترل شده قابلیت اطمینان استراتژی مورد نظر را به حداکثر برساند. همچنین میزان تلفات دشمن را افزایش داده و در عین حال، متجاوز را از رسیدن به اهدافش باز دارد.

نتایج عملیات های روانی تا حد زیادی به وسایل و روشهایی بستگی دارد که در این عملیات ها به کار گرفته می شود. معمولاً گفته می شود که استفاده موفقیت آمیز از عملیات های روانی از طریق درک و ویژگی های ماهوی و الگوهای رفتاری که خاص موقعیت های بحرانی است تعیین می شود.

زیر سیستم لجستیک یکی دیگر از زیر سیستم های موجود در سیستم بازدارندگی نظامی است که باید در سطح ملی و مستقل از سیستم های مشابه موجود در واحدهای منفرد سیستم بازدارندگی عمل کند. چنین سیستمی باید بر اساس نهادهای لجستیکی و در چارچوب شاخه های مختلف اقتصاد، کارخانه های تولیدی، نگهداری، تعمیرات، محل استقرار نیروها، و شبکه های جزیی پایه ریزی شود.

سیستم بازدارندگی نظامی باید بر اساس اصول نظریه بازدارندگی سازمان دهی شود. این سیستم ممکن است بر

صرف شرکت کردن در یک ائتلاف سیاسی یا نظامی، موجب از میان رفتن امکان بروز تهدیدات نمی شود؛ درگیری درازمدت یونان و ترکیه، چچن و روسیه، و سایر وضعیت های مشابه دیگر نقاط جهان شاهدهی بر این مدعا است

ممتاز همراه با یک اقتصاد نیرومند در کشورهای قوی را برای اجرای یک سیاست بازدارندگی تأیید می کند. استفاده از اشکال مختلف فشار، تحریک، و تهدید نظامی می تواند به تحقق اهداف مورد نظر این کشورها کمک کند و تأثیر بازدارندگی نیز می تواند به خودی خود تحقق یافته و خطرات بالقوه آن نیز هرگز ظاهر نشود. از طرف دیگر، کشورهای ضعیف تر برای آن که به اهداف مشابه دست پیدا کنند باید برای ایجاد یک تهدید واقعی ناشی از یک حمله تلافی جویانه اقدام نمایند. به همین خاطر، کشورهای ضعیف اگر نتوانند نیروهای مسلح خود را تا سطح دفاعی قابل قبولی ارتقا دهند؛ برای تضمین اعتبار بازدارندگی باید از راه حل های سیستمی استفاده نمایند. همچنین، این کشورها باید این نکته را درک کنند که بازدارندگی ممکن است موثر واقع نشود و به همین

مناسب بودن اهداف.

اعتبار یک تهدید همچنین به میزان خسارات احتمالی وارده که به انتخاب مناسب اهداف مربوط می شود نیز بستگی دارد. انهدام اهداف هسته ای، زیست محیطی، نظامی، صنعتی، و جمعیت شناختی جدی ترین تهدید را برای دشمن تشکیل می دهند.

یک تهدید باید ترکیبی از امکانات و مقاصد طرف بازدارنده را شامل شود، ترکیبی که باید نشان روشنی از این حقیقت باشد که تهدید مورد نظر در صورت لزوم محقق می شود. تهدید همچنین باید یک اساس ملموس داشته باشد. سخن گفتن بدون داشتن توانمندیهای نظامی قابل اطمینان علاوه بر آن که بازدارندگی را با شکست روبه رو می سازد،

بازدارندگی متعارف در گرو استفاده کامل

از توانمندی های آفندی و پدافندی

برای ایجاد یک تهدید معتبر است

که ممکن است مسئله تجاوز را

با غیر سودمند ساختن آن رفع کند

ممکن است تأثیر معکوس داشته و باعث شود که دشمن از وضعیت موجود آگاهی پیدا کند.

ایجاد تهدیدات و استفاده از آنها باید برخی تعهدات اخلاقی خاص را محقق ساخته و با معیارهای قانون بین الملل مطابقت داشته باشد. این، همان شرایط اساسی است که برای تأیید و جلب حمایت بین المللی لازم است.

مهم ترین عامل در ایجاد بازدارندگی نافذ برای کسی که تهدیدی را مطرح می کند که هم می تواند و هم می خواهد از آن استفاده نماید، «محکومیت» است. جی کافی^(۱) در اثری که در مورد کارآمدی و اعتبار بازدارندگی نگاشته، در این مورد چنین می گوید:

«اعلام میزان تلفات مورد انتظار، صرف نظر از عزم موجود برای تحمیل آنها صرفاً نکی از عوامل بازدارندگی

پایه دستور العمل های وزارت دفاع ملی^۲ و بر طبق دکترین نظامی مصوبه قوه مقننه هر کشور پایه ریزی شود. مسئولیت تخصیص نیروهای مورد نیاز این سیستم و تعیین وظایف آنها به عهده وزارت دفاع ملی خواهد بود. ترکیب این سیستم باید به گونه ای باشد که بتواند اعتبار لازم را برای بازدارندگی چنان تضمین کند که اهداف آن محقق شود. اعتبار بازدارندگی نیز تابعی از اعتبار تهدیدی است که این پدیده ایجاد می کند.

اعتبار استراتژی بازدارندگی نظامی

بازدارندگی، حاصل اندیشیدن در مورد عملیات بالقوه دشمن و نیروهایی است که در چنین عملیاتی درگیرند. به عقیده دریادار آرلیگ برک (Arleigh Burke)، بازدارندگی در ذهن انسان جای دارد. این پدیده نه تنها به منافع کشور بازدارنده مربوط می شود، بلکه با آنچه انجام می دهد، آنچه باید انجام دهد و نیز آنچه دیگران فکر می کنند باید انجام دهد نیز مرتبط است. اساس مادی تهدید، یک عامل بالقوه نظامی است که برای تحقق بازدارندگی لازم است. این عامل بالقوه، اصولاً عامل ایستایی نیست و بسته به پویایی شناسی وضعیتی که بازدارندگی در آن تحقق می یابد دستخوش دگرگونیهای مداومی می شود. به عقیده متخصصان این حوزه، مهم ترین عوامل مؤثر بر اعتبار بازدارندگی به شرح زیر است:

- امکان تخریب نیروهای بازدارنده؛

- کارآیی حمله تلافی جویانه؛

- کارآیی عملیات روانی؛

- قابلیت بقای نیروهای بازدارندگی نظامی؛

است که دشمن را از مقاصد ما آگاه می‌سازد، آن هم زمانی که او در حال تعیین و تجزیه و تحلیل هزینه‌های بالقوه، و مخاطرات و مزیت‌های احتمالی انجام یا ترک عملیات مورد نظرش است. در بسیاری از موارد، ممکن است این «عوامل ذهنی» در مقایسه با توانایی واقعی وارد آوردن تلفات اهمیت بیشتری پیدا کنند».

اعتبار تهدیدات بازدارندگی نظامی حتی زمانی که شانس به کارگیری آنها از نظر منطقی کم است بر سه پدیده زیر استوار است: ترس از جنگ؛ عدم قطعیت؛ شانس.

عدم قطعیت و شانس می‌توانند بر قضاوت انسانی سایه افکننده و به برخی سوءظن‌های دایمی بینجامند، سوءظن‌هایی با این مضمون که تهدید مورد نظر ممکن است

اساسی است که وقتی با هم ترکیب می‌شوند آنها را می‌توان تحت عنوان «محاسبه خطر» متجاوز توضیح داد. این عوامل به شرح زیر است:

- اهداف نظامی طرف متجاوز

- محاسبه هزینه‌های تجاوز؛

- اعتبار واکنش‌های بازدارندگی احتمالی و

- امکان تحقق اهداف تجاوز به رغم واکنش‌های مختلف قربانی تجاوز.

اهداف جنگی طرف متجاوز، میزان انگیزش و التزام او را به انجام عملیات‌های نظامی تعیین می‌کند. ارزیابی متجاوز از هزینه‌ها و مزیت‌های ناشی از یک جنگ بالقوه (از آغاز تا پایان) به اقدامات احتمالی طرف متجاوز و واکنش‌های احتمالی کشور بازدارنده بستگی دارد. باید پذیرفت که هر اقدام تجاوزکارانه‌ای، واکنش قربانیان تجاوز را موجب می‌شود.

محاسبه هزینه‌های تجاوز بر برخی عوامل ذهنی و غیر قطعی استوار است که سنجیدن آنها چندان آسان نیست. بنابراین، محاسبه هزینه‌ها باید با کمک شم و غریزه انجام شود.

نظریه پردازان بازدارندگی برای افزایش اعتبار این پدیده بر ضرورت مطالعه نگرش کشور بازدارنده تاکید می‌کنند. این گزارش از سوی دشمن نه به عنوان یک ظرفیت مشهود برای حمله، بلکه باید به منزله‌توانی برای بازدارندگی دیده شود. علاوه بر این، پیچیدگی تهدیدات ناشی از مقابله به مثل باید به گونه‌ای تحقق یابد که دشمن احساس نکند و جهت و منزلت بین‌المللی اش از بین رفته است.

استراتژی‌های دفاعی اساسی که معمولاً به

عنوان استراتژی‌های کلاسیک شناخته

می‌شوند و به طور خاص برای کشورهای با

اندازه متوسط مفیدند، موارد زیر را شامل

می‌شود:

عقب‌نشینی - خستگی،

حمله پیشگیرانه، دفاع مرزی

و دفاع همه‌جانبه

جامه عمل پوشیده، منجر به جنگ شود.

بازدارندگی بر مبنای عدم قطعیت، شک و تردیدهایی را در خصوص هر حمله و پاسخ احتمالی مربوط به آن مطرح می‌سازد. عواملی وجود دارند که ممکن است باعث شوند تا یک متجاوز بالقوه از خطر کردن پرهیز نماید؛ مثلاً طرف مقابل را بزرگ‌تر از اندازه واقعی ببیند، خود را دست کم بگیرد، و مقاصد دشمن را به غلط تفسیر کند.

تهدید ناشی از شانس با برخی عوارض غیر قابل پیش‌بینی مرتبط است، عوارضی که ممکن است به رغم تلاش‌های هر دو طرف به هر حال حادث شوند. مداخله طرف ثالث یا یک فرآیند ناکارآمد تصمیم‌گیری، نمونه‌هایی از احتمالاتی هستند که پیامدهای ناخواسته‌ای را باعث می‌شوند.

محتمل بودن حمله هر متجاوزی نتیجه چهار عامل

- Balcerowicz. B; Wystarczalność obronna. (*Defense Sufficiency*) 'Warszawa' 1996.
- Balcerowicz. B; Obronność Państwa średniego (*Defense of a Middle-Sized Country*) 'Warszawa' 1997.
- Bertram. Ch; *Strategic Deterrence in a Changing Environment* 'London' 1994.
- Boulder B.H; *Alternative Security: Living Without Nuclear Deterrence* 'West view Press' (Ed.) 1990
- Byers. R; *Deterrence in the 1980's 'Crisis and Dilemma'* London 1985.
- Clausewitz. K; *O wojnie (On War)* 'Warszawa' 1985.
- Dworecki. S; *Od konfliktu do wojny (From a Conflict to War)* 'Warszawa' 1996.
- Eccles. H; *Military Concepts and Philosophy* 'New Brunswick' 1988.
- Ertoran. R; Tando F; *Le Concept de Suffisance des Forces Classiques (The Concept of Sufficiency of Classic Forces)*, Defense Nationale, 1991.
- Finnis. J. J., Boyle.M. Jr., Gisez. G; *Nuclear Deterrence, Morality and Realism*- New York' 1987.
- Freedman. L; *The Evolution of Nuclear Strategy*, New York, 1981.
- Kahn. H; *on Thermonuclear War*'Princeton' 1960.
- Kissinger. H; *The Necessity for Choice*'New York' 1957.
- Lebow. R. N' Stein J. G; *Psychology and Deterrence* 'Baltimore' 1985.
- Lebow. R. N' Stein J. G; *Deterrence and the Cold War* 'Political Science Quarterly, 1995' Vol.110' pp. 157-181.
- Marczak. J, Pawlowski. J; *O obronie militarnej Polski przelomu XX-XXI wieku. (On Military Defense of Poland on the Turn of 20th Century)*. Warszawa 1995.
- Maxwell. S; *Rationality in Deterrence*' London' 1968.
- Mearsheimer. J; *Conventional Deterrence*, New York, 1983.
- Olszewski R; *Lotnictwo w odstraszaniu Militarnym (Air Force in Military Deterrence)*, Warszawa, 1998.
- Schelling. T; *The Strategy of Conflict*, Cambridge, 1960.
- Snyder. G; *Deterrence and Defense: Toward a Theory of National Security*, Princeton, 1961.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، توضیح نقش بازدارندگی در امنیت ملی یک کشور با اندازه متوسط است. به جرأت می‌توان گفت مزیت اساسی استراتژی بازدارندگی نظامی، کارایی آن در برقراری امنیت و جلوگیری از درگیری‌های مسلحانه است. در حال حاضر، هدف اصلی استراتژی نظامی ملی، هم تعیین چگونگی پیروز شدن در جنگ است و هم تشخیص چگونگی جلوگیری از وقوع آن. استراتژی بازدارندگی نظامی به پیشبرد این اهداف کمک می‌کند.

موضوع اصلی برای نافذ بودن بازدارندگی آن است که کشور مورد نظر هم پیشرفته‌ترین تجهیزات را برای دفاع از سرزمین خود در اختیار داشته و هم توان مقابله به مثل داشته باشد؛ به گونه‌ای که تجاوز برای متجاوز بالقوه به یک پدیده پرهزینه تبدیل شود. نافذ بودن یک تهدید و این که بتوان به دشمن فهماند که تهدید مزبور در صورت لزوم عملی می‌شود، عوامل اصلی استراتژی بازدارندگی نظامی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، استراتژی بازدارندگی نظامی، بخش مهمی از هنر نظامی بوده و ابزاری برای استفاده عملی از بازدارندگی نظامی و جنگ افزارهای متعارف محسوب می‌شود. همان گونه که در این نوشتار بحث شد؛ درون مایه استراتژی بازدارندگی نظامی و جنبه نظری، عملی و نیز اهداف این استراتژی، آن را به یک استراتژی مستقل و اساسی؛ متناسب برای سیستم دفاعی کشورهای غیر هسته‌ای با اندازه متوسط تبدیل کرده است.